

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹ - ۵

شخصیت پردازی ایوب. همسر وی و ابلیس در قرآن کریم و مقارنه آن با فیلم ایوب پیامبر

ابوذر پورمحمدی^۱

چکیده

فیلم سینمایی ایوب پیامبر در سال ۱۳۷۲ به نویسندگی و کارگردانی فرج‌الله سلحشور تولید شد. قصه‌ای که این فیلم روایت می‌کند با آنچه قرآن کریم بیان کرده است تفاوت‌های اساسی دارد. با آنکه داستان ایوب در قرآن در شش آیه آمده است اما اینگونه نیست که این داستان کوتاه، ناقص بیان شده باشد و یا عناصر داستانی مثل عنصر شخصیت‌پردازی را نداشته باشد. در داستان ایوب قرآن، چهار شخصیت داریم: ایوب، رب، شیطان و اهل. شخصیت‌پردازی فیلم سینمایی ایوب پیامبر از این چهار شخصیت با شخصیت‌پردازی قرآن از این چهار شخصیت متفاوت است. این تفاوت اساسی در شاکله و زیربنا در این دو روایت از داستان ایوب به دلیل آن است که در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، قصه قرآن مبنای کار قرار نگرفته است بلکه منابع دیگر مثل کتاب مقدس، روایات و کتب قصص انبیا مورد استناد قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

فیلم سینمایی ایوب پیامبر، شخصیت‌پردازی، ایوب، ابلیس، همسر ایوب، قرآن.

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران. تهیه‌کننده سینما و تلویزیون.

طرح مسأله

فیلم سینمایی ایوب پیامبر در سال ۱۳۷۲ به کارگردانی فرج‌الله سلحشور ساخته شد و در سال ۱۳۷۳ در سینماهای ایران به نمایش درآمد. این فیلم اولین تجربه کارگردانی فرج‌الله سلحشور است. او در این فیلم بازیگر نقش اول یعنی ایوب است و فیلم‌نامه آن را هم خودش نوشته است. زمان این فیلم ۸۴ دقیقه است. سلحشور ابتدا در سال ۱۳۷۰ نمایشی را به نام ایوب به روی صحنه تئاتر برد. او یک سال بعد، یک سریال پنج قسمتی به نام ایوب پیامبر کارگردانی کرد و سپس در سال ۱۳۷۲ فیلمی سینمایی از دل آن سریال تدوین و تولید شد (بهارلو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۶۲).

نقد این اثر بسیار ضروری است زیرا وقتی در رسانه رسمی یک کشور اسلامی مثل ایران یک قصه قرآنی تبدیل به فیلم سینمایی می‌شود، تصور عموم مخاطبان آن است که این فیلم دقیقاً بیان قرآن را تبدیل به ساختاری نمایشی کرده است.

قصه ایوب در قرآن کریم در سوره صاد آیات ۴۱ تا ۴۴ و سوره انبیاء آیات ۸۳ و ۸۴ آمده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که شخصیت‌پردازی قرآن از شخصیت‌های ایوب، ابلیس و همسر ایوب در این داستان با شخصیت‌پردازی فیلم سینمایی ایوب پیامبر چه تفاوت‌هایی دارد؟ در این مقاله با روش تحلیل محتوا این مقایسه را انجام می‌دهیم.

تنها منبعی که به اختصار به تحلیل و بررسی فیلم سینمایی ایوب پیامبر پرداخته است، کتاب *سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران* است. دو صحنه حاوی دو گفت‌وگوی ایوب با ابلیس در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است و موارد دیگری هم بصورت فشرده مطرح شده است (یاسینی، ۱۴۰۱، صص ۱۷۳ - ۱۸۸). عنصر شخصیت‌پردازی که موضوع این مقاله است در کتاب وجود ندارد.

۱. تعریف شخصیت و شخصیت‌پردازی

اشخاص ساخته‌شده‌ای را که در داستان ظاهر می‌شوند، شخصیت (character) می‌نامند. شخصیت فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او، در آنچه می‌گوید و آنچه انجام می‌دهد؛ وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی (characterization) می‌گویند (میرصادقی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۲؛ مقایسه کنید با: یونسی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۲).

شخصیت‌پردازی یعنی حاصل جمع تمام خصایص قابل مشاهده یک فرد انسانی، هرآنچه که بتوان با دقت در زندگی شخصیت از او فهمید: سن و میزان هوش، جنس و تمایلات جنسی،

سبک حرف زدن و ادا و اطوار علایق درباره خانه، ماشین و لباس، میزان تحصیلات و شغل، وضعیت روحی و عصبی و ارزشها و نگرشها؛ یعنی تمام وجوهی از انسان که می‌توان با بررسی روزبه‌روز زندگی یک فرد دانست. این خصایص در کنار هم هویت منحصر به فرد هر انسان را می‌سازند زیرا هر یک از ما ترکیب خاصی از داده‌های ژنتیکی و تجربیات عملی هستیم (مک‌کی، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

شخصیت حقیقی یک انسان در تصمیماتی که در شرایط بحرانی می‌گیرد آشکار می‌شود. هرچه بحران و فشار بیشتر باشد این آشکار شدن کاملتر است و تصمیمی که گرفته می‌شود به سرشت بنیادی شخصیت نزدیکتر (همان).

در داستان‌پردازی، همانقدر که قهرمان داستان مهم است، ضد قهرمان هم مهم است. یک نویسنده خوب برای خلق شخصیت‌های بزرگ، به تمام شخصیت‌های خود به عنوان بخشی از یک شبکه نگاه می‌کند. در این نگاه، هر شخصیت به تعریف بقیه شخصیت‌ها کمک می‌کند (تروی، ۱۴۰۱، ص ۹۰).

۱-۱. شخصیت‌های داستان ایوب در قرآن

داستان ایوب در قرآن یک داستان کوتاه است. این داستان در شش آیه از قرآن کریم آمده است: آیات ۸۴ و ۸۵ سورة انبیاء و آیات ۴۱ تا ۴۴ سورة صاد. آیات دو سورة انبیاء و صاد که داستان ایوب را بیان می‌کنند:

وَ اَيُّوبُ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ اَنِّیْ مَسْنِیَ الضُّرِّ وَ اَنْتَ الرَّحِیْمُ. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ اَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذَكَرُوا لِلْعَابِدِیْنَ. وَ اَدْكُرْ غَدْنَا اَيُّوبُ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ اَنِّیْ مَسْنِیَ الشَّیْطَانُ بُنْضٍ وَ عَذَاب. اَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ. وَ وَهَبْنَا لَهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذَكَرُوا لِاُولِیِّ الْاَلْبَابِ. وَ خَذُ بِیَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُثْ اِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوَّابٌ. و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان». پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]. و بنده ما ایوب را به یاد آور، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد». [به او گفتیم]: «با پای خود [به زمین] بکوب، اینک این چشمه‌ساری است سرد و آشامیدنی. و [مجدداً] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم، تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد. [و به او گفتیم]: «یک بسته ترکه به دست بگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگند مشکن.» ما او را شکایا یافتیم. چه نیکوبنده‌ای! به راستی او توبه‌کار بود. آیات ۸۳ و ۸۴ سورة انبیاء و آیات ۴۱ تا ۴۴

سوره صاد. ترجمه فولادوند. (این ترجمه مشهور که به ترجمه‌های دیگر بسیار شبیه است، مورد تأیید نویسنده این مقاله نیست).

داستان کوتاه، طبق تعریف علمی خود (Nouvelle)، شخصیت‌های کمی دارد (وایتلی، ۱۳۹۶، ص ۵۸). شخصیت‌های موجود در داستان ایوب قرآن عبارتند از: (۱) ایوب، (۲) رب، (۳) اهل، (۴) شیطان. در این مقاله شخصیت «رب» را پردازش نمی‌کنیم و در مورد واژه «اهل» به مصداق اول آن یعنی همسر ایوب، بسنده می‌کنیم.

۲. شخصیت‌پردازی ایوب

۲-۱. ایوب یا ایوب پیامبر؟

از ابتدای فیلم سینمایی ایوب پیامبر، همه ایوب را نبی خدا و پیامبر خطاب می‌کنند یعنی فیلم مربوط می‌شود به دوران رسالت ایوب پیامبر و اسم فیلم هم «ایوب پیامبر (ع)» است. این در حالی است که داستان ایوب در قرآن، مربوط به قبل از پیامبری اوست (لسانی فشارکی «الف»، ۱۴۰۱، ص ۸). شاید این انحراف از بیان قرآن و نفهمیدن و نگرفتن این پیام مهم از قرآن، مهم‌ترین عامل در کج‌فهمی‌های دیگر از این قصه قرآنی است.

قصه پیامبران در قرآن به سه گونه آمده است: (۱) قصه برخی فقط مربوط به دوران بعد از رسالت ایشان است. مانند قصه نوح و لوط. (۲) قصه بعضی از پیامبران، هر دو دوره قبل و بعد از رسالت را شامل می‌شود. مانند قصه حضرت موسی کلیم‌الله. (۳) قصه تعدادی از پیامبران فقط مربوط به قبل از بعثت و رسالت آنان است. مانند قصه ایوب پیامبر و یوسف صدیق. در متن نسبتاً طولانی قصه حضرت یوسف در قرآن کریم، اثری از پیامبری یوسف صدیق نیست مگر جمله‌ای معترضه در اوایل داستان: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (یوسف، ۲۲)». «و کذلک نجزی المحسنین»، موکول به آینده است یعنی یوسف باید محسن بودنش را در طول سالیان متمادی نشان بدهد تا با استناد به آن عملکرد درخشان، به عنوان بنده خوب خدا، لیاقت و شایستگی مبعوث شدن به پیامبری را دریافت کند (لسانی فشارکی «ب»، ۱۴۰۱، ص ۳۶). کلمه «ایوب» چهار بار در قرآن آمده است. در آیات ۱۶۳ سوره نساء و ۸۴ سوره انعام فقط نام ایوب در ردیف اسامی پیامبران آمده است. در دو سوره صاد و انبیا، نام ایوب همراه با قصه او در شش آیه آمده است. پیامبری ایوب در قرآن کریم کاملاً محرز است اما قرآن قسمتی از زندگی ایوب، قبل از پیامبری او را در قالب یک داستان کوتاه روایت می‌کند.

قصه ایوب را وقتی در دو سوره صاد و انبیا با دقت تلاوت و تدبر می‌کنیم، هیچ نشانه‌ای از پیامبری ایوب در آنها نمی‌بینیم. قصه ایوب در قرآن کریم فقط مربوط به قبل از پیامبری اوست (خراسانی، ۱۳۸۲، ج ۵، صص ۲۰۸-۲۰۹). جالب است که در کتاب مقدس هم اشاره‌ای به

پیامبری ایوب نیست (کتاب مقدس، صص ۴۰۸ - ۴۳۵). ایوب در داستان قرآن با صفت «عبدنا» نام برده می‌شود: وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ.

اینگونه است که قصه ایوب در قرآن، فقط قصه ایوب نیست بلکه قصه همه افراد بشر و قصه همه جوامع بشری و قصه همه خانواده‌هاست. این قصه، فرامگانی و فرازمانی است. قصه هر اجتماع انسانی چه کوچک و چه بزرگ است.

قرآن کریم قصه ایوب را طوری بیان کرده است که هر یک از ما می‌توانیم ایوب باشیم و با او همذات‌پنداری^۱ کنیم. همه ما مورد آزمون و امتحان قرار می‌گیریم و بلا و ابتلا و مصیبت را تجربه می‌کنیم. بلا و مصیبت هم فقط مربوط به دوره‌ای محدود از زندگی‌مان نیست آنچنانکه در فیلم ایوب نشان داده می‌شود بلکه انسان‌ها تا آخرین لحظه زندگی‌شان مورد امتحان قرار می‌گیرند: اَحْسِبِ النَّاسُ اَنْ يَتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت، ۲).

۲-۲. علم ایوب

در ابتدای فیلم می‌بینیم که ایوب بر سکویی ایستاده است و فرشتگان دور او می‌چرخند و او را می‌ستایند (تصویر ۱). ایوب در آسمان چهارم است. او بهترین بنده خداوند در زمین است. البته خودش خبر ندارد! ایوبی که در این صحنه می‌بینیم، چهره مثالی و حقیقت اخروی شخصیت ایوب است.

با اینکه این صحنه مربوط به آسمان چهارم است و فضا مملو از فرشتگان است، فضایی تاریک دارد. فیلم تصویری نازیبا از آسمان چهارم در ذهن ما ایجاد می‌کند. شاید این صحنه‌پردازی^۲ به دلیل آن باشد که فیلم داخل استودیو ضبط شده است نه در فضای باز. این فیلم سینمایی خیلی شبیه تله‌تئاتر^۳ است.

^۱ همذات‌پنداری: خواننده یا بیننده احساس می‌کند خودش شخصیت داستان یا فیلم است (گوت، ۱۳۸۵، ص ۶).

^۲ زمان و مکانی را که در آن عمل داستان صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند (میرصادقی، ۱۴۰۱، ص ۵۷۷).

^۳ تئاتری است که از طریق رسانه تلویزیون و با بهره‌گیری از قواعد و رمزهای فنی و هنری تلویزیونی بازنمایی می‌شود.



تصویر ۱

مطابق فیلم، فرشتگان در آسمان چهارم مشغول این مراسم تجلیل هستند. ایوب خودش از این مراسم سپاسگزاری و تکریم خبر ندارد اما ابلیس دارد این مراسم را می‌بیند و می‌شنود. ابلیس بسیار از این اتفاق عصبانی است بطوریکه فریاد بسیار بلندی می‌کشد و خود را بر زمین می‌افکند (تصویر ۲).



تصویر ۲

شیطان‌ها از او می‌پرسند که چه اتفاقی افتاده است که ابلیس اینقدر عصبانی است؟ ابلیس می‌گوید: نمی‌شنوید؟ باز هم پیامبری از پیامبران خدا آمده است و مردم را هدایت می‌کند و مانع کار من می‌شود. پس از این، توجه شیاطین به صدای فرشتگان جلب می‌شود (تصویر ۳).



تصویر ۳

مطالب انحرافی و مخالف صریح قرآن از همین ابتدای فیلم شروع می‌شود. چگونه است که پیامبری، خود از مقامش بی‌خبر است اما ابلیس از او بیشتر می‌داند؟ ابلیس چگونه به علم آسمان چهارم دسترسی دارد؟

در ابتدای داستان خلقت آدم و حوا، وقتی ابلیس بر آدم و حوا سجده نمی‌کند، با فرمانی شدید از طرف خدا از آسمان رانده می‌شود: قَالَ اخْرِجْ مِنْهَا مَذْخُوراً لَّمَنْ تَبَعَكَ مِنْهُمْ لِأَفْلاَنَ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (اعراف، ۱۸). ابلیس پس از این اتفاق دیگر هیچ دسترسی به آسمان‌ها و عرش الهی ندارد.

در ادامه فیلم، ابلیس از همین بی‌خبری ایوب استفاده می‌کند و سراغ ایوب می‌آید تا از این اطلاع‌رسانی سوءاستفاده کند.

این برتری قدرت و علم فوق‌العاده ابلیس حتی بر پیامبران، ساخته و پرداخته اسرائیلیان است. فرقه‌های شیطان‌پرستی از همین ریشه‌ها جوانه می‌زنند (کافی‌راد، ۱۳۹۹، ص ۶).

تا اینجا هرچه در فیلم می‌بینیم خلاف قرآن است: ایوبی که پیامبر نیست، پیامبر است. علم ابلیس از ایوب بیشتر است.

جالب است که برای جذاب شدن قصه فیلم، ابلیس شیطان‌ها را مأمور می‌کند که بروند و از این پیامبر خبر بیاورند. تناقضی آشکار در فیلمنامه وجود دارد. ابلیس اتفاقات در آسمان چهارم را می‌بیند اما از ایوب در زمین و مشخصات او بی‌خبر است. درحالی‌که حداقل مطابق فیلم، ایوب سن بالایی دارد و سالهاست که دارد پیامبری می‌کند. انگار اگر فرشتگان در آسمان چهارم او را ستایش نمی‌کردند، ابلیس باز هم خبردار نمی‌شد.

۲-۳. ثروت و مکنت ایوب

ایوب در فیلم سینمایی، بسیار ثروتمند است. مکنت مالی او از تمام مردم آن مناطق بیشتر است. همان که در کتاب ایوب آمده است: «و برای او [ایوب]، هفت پسر و سه دختر زاییده شدند. و اموال او هفت هزار گوسفند و سه هزار شتر و پانصد جفت گاو و پانصد الاغ ماده بود و نوکران بسیار کثیر داشت و آن مرد از تمامی بنی مشرق بزرگتر بود...» (کتاب مقدس، ۲/۱ و ۳؛ ۱۰/۲۲ و ۱۲)

وقتی ابلیس از مقام ویژه ایوب نزد خدا باخبر می‌شود، به شیطان‌ها دستور می‌دهد که بروند و از ایوب اطلاعات جمع‌آوری کنند. شیطان‌ها می‌روند و خبر می‌آورند که ایوب در شهر بسنیه (در شام) زندگی می‌کند. او بسیار مکنت مالی دارد بطوریکه در آن مناطق کسی به پای او نمی‌رسد. فرزندان بسیار و همسری مهربان و زیبا دارد. خانه‌ای مجلل و بزرگ دارد. خلاصه هر آنچه نعمت دنیوی است دارد (تصویر ۴).



تصویر ۴

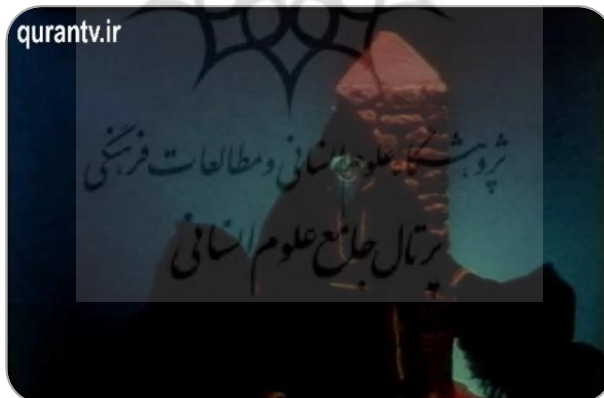
جالب است که این تصویر از منزل ایوب اصلاً با تصویری که قبل از آن بصورت لانگ‌شات^۱ از شهر بسنیه می‌بینیم سازگاری ندارد (تصویر ۵).

۱. لانگ شات به مساحت قابل ملاحظه‌ای در اطراف موضوع فیلم یا عکس گفته می‌شود. در این تصویر دوربین فاصله بسیاری تا موضوع دارد و یک شی یا یک شخص را در ارتباط با محیط اطرافش نشان می‌دهد. در لانگ شات تمامی سوژه و محیط اطرافش در کادر دوربین است و اطلاعات بیشتری از محیط اطراف سوژه عکاسی به بیننده می‌دهد.



تصویر ۵

ابلیس که تا الان این اطلاعات را نداشته، خیلی خوشحال می‌شود و می‌گوید: «من هم اگر این همه ثروت و مکنّت داشتم، لحظه‌ای سر از سجده بر نمی‌داشتم چون ترک عبادت خدا همان و از کف دادن مکنّت همان». ابلیس قهقهه می‌زند و به شیطان‌ها دستور می‌دهد که بروند و در همه جا از طرف خدا جار بزنند که: «ما به ایوب همه چیز بخشیده‌ایم تا بنده‌ای سالم و با ایمان شود و عجیب اینکه شده است!». پس از این جمله ابلیس و همه شیطان‌ها با هم می‌خندند (تصویر ۶)



تصویر ۶

هنوز ابلیس دارد به شیطان‌ها فرمان می‌دهد که فرشتگان این حرف‌های ابلیس را می‌شنوند و سراغ او می‌آیند. انگار خدا نگران اقدام ابلیس و شیطان‌هاست. فرشتگان به ابلیس می‌گویند اینطور که تو فکر می‌کنی نیست: «این همه را ایوب جز برای خدا نمی‌خواهد و جز برای او صرف نمی‌کند. آرزوی وصل با معبود میزان و معیارهای دنیایی را در هم می‌ریزد و همه چیز برای انسان

رنگ او را می‌گیرد» (تصویر ۷).



تصویر ۷

پس از مجادلهٔ ابلیس با فرشتگان، فرشتگان به ابلیس خبر می‌دهند که حالا که تو اینطور فکر می‌کنی، ایوب مورد آزمون قرار می‌گیرد و اتفاقاً وسیلهٔ آزمون او هم توی ابلیس هستی. تو بر جان و مال او مسلط خواهی بود. آنگونه که می‌خواهی عمل کن. ابلیس بسیار خوشحال قهقههٔ مستانه‌ای می‌زند و می‌گوید: «از هم اکنون او در چنگ من است. او را شکست‌خورده بدانید».

صحنه‌پردازی‌ها و گفتگوهای فیلم ایوب طوری طراحی شده که ثروت و دارایی ایوب را خیلی گل‌درشت جلوه دهد. منزل ایوب، تعداد خدمتکاران او، کمک‌های زیاد او به مردم و زمین‌های زراعی او همه چشمگیر است.

در خبرهایی که شیاطین برای ابلیس می‌آورند، آنها همان آماری که در کتاب مقدس آمده را به عنوان ثروت ایوب به اطلاع ابلیس می‌رسانند. در اولین یورش اشرار به زمین‌های زراعی و گلهٔ بزرگ ایوب، صحبت از هزاران رأس گوسفند است که به دست اشرار افتاده است. اموال ایوب آنقدر زیاد است که سپاه بابل و کلدانیان چشم طمع به آن دارند.

۲-۴. بیماری ایوب

در این داستان کوتاه، واژگانی وجود دارند که معناشناسی درست آنها برای شخصیت‌شناسی شخصیت‌های این داستان ضروری است. به نظر می‌رسد معناشناسی درست واژه‌های «نادی» و «ضرر» در این آیات برای شخصیت‌شناسی ایوب در این داستان ضروری باشد.

کلمهٔ «ضرر» نوع مشکل ایوب را روشن می‌کند. ایوب تهی‌دست و گرفتار شد. ایوب بیمار نشد. در داستان ایوب قرآن هیچ اشاره‌ای به بیماری ایوب نیست. امام محمد باقر(ع) فرموده‌اند: «ایوب با آنهمه گرفتاری که داشت، بوی بد در او پیدا نشد، زشت‌روی نگردید، یک نوک قلم

خون و چرک از او بیرون نیامد، هر که او را دید کثیفش نیافت، و هر کس به نزدش رفت از او وحشت نکرد، و هیچ جای بدنش کرم نگذاشت... مردم که از ایوب کناره گرفتند فقط برای فقر و ناتوانی‌اش بود که به ظاهر چنین می‌نمود و مردم نمی‌دانستند که او نزد پروردگارش چه کمک و گشایشی نصیب دارد» (صدوق، ۱۴۰۳، صص ۳۹۹ و ۴۰۰).

بسیاری از علما «ضر» در این آیات شریفه را دقیقاً به همان معنایی گرفته‌اند که در کتاب ایوب در مجموعه کتاب مقدس آمده است و متأسفانه همان مطلب در قالب روایت نیز گزارش شده و همه آن را بدون بررسی و فارغ از عرضه به قرآن پذیرفته‌اند و صد افسوس فزون‌تر که تصریح کرده‌اند که ضر هیچ اشاره‌ای به گرفتاری‌های مالی ایوب ندارد (محقق اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۷، ص ۲۰۸). این در حالی است که بنا بر روش و بر اساس شیوه علمی خود بزرگان مانند علامه طباطبائی برای فهم مفردات قرآنی «ضر» در قرآن درمی‌یابیم که اتفاقاً ضر دقیقاً به معنای گرفتاری مالی یا حیثیتی و اجتماعی است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۳ به نقل از مصباح اللغه: الضر الفاقة و الفقر).

کلمه «ضر» نوع مشکل ایوب را روشن می‌کند. ایوب تهی‌دست و گرفتار شد. ایوب بیمار نشد. در داستان ایوب قرآن هیچ اشاره‌ای به بیماری ایوب نیست.

۵-۲. صبر ایوب

کلمه «نادی»، نوع ارتباط ایوب با خدا را در داستان کوتاه ایوب در قرآن بیان می‌کند. ایوب فریاد کشید و سر خدا داد زد. «نادی» یعنی فریاد زد، داد زد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ذیل ریشه «ن د ی»، ج ۸، ص ۷۸: نَادَاهُ أَيْ دَعَاهُ بِأَرْفَعِ الصَّوْتِ). مخاطب و بیننده این اتفاق از خود می‌پرسد: چه شده است که این بنده سر مولای خود فریاد می‌کشد؟ مگر مولای او، او را رها کرده و او را فراموش کرده است؟ آیا مولای او به کاری دیگر مشغول شده است؟ آیا رب و صاحب ایوب از او دور شده است که لازم شده ایوب داد بزند؟ آیا خدایی که از آغاز خلقت تا الان ربوبیتش شامل حال ایوب بوده، با تغییر وضعیت و مضطر شدن ایوب، او را فراموش کرده و او را درک نمی‌کند؟ متأسفانه واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به قصه ایوب در قرآن درست ترجمه و تفسیر نشده‌اند. صبر ایوب را باید با توجه به تعبیر «انا وجدناه صابراً» و کلمه «اواب» معنا کنیم. در متن فشرده شش آیه‌ای قصه ایوب پیامبر در قرآن کریم در سوره مبارکه صاد، آیات ۴۱ تا ۴۴ و سوره مبارکه انبیا، آیات ۸۳ و ۸۴؛ فقط یک کلمه از ریشه «ص بر» داریم و آنهم بصورت اصطلاح «انا وجدناه صابراً» (صاد، ۴۴). در سوره انبیا اصلاً از ریشه صبر، کلمه‌ای نداریم.

چگونه ما فقط از همین اصطلاح نتیجه گرفته‌ایم که ایوب، قهرمان صبر است؟ چرا بقیه کلمات قصه ایوب را ندیده‌ایم. مثلاً چطور «نادی» را ندیده‌ایم؟ چگونه شخصی که دارد داد

می‌زند و از وضعیتش ناراضی است، اسوه صبر اعلام شده است؟

تعبیر «انا وجدناه صابراً» با تعبیراتی مثل «صبار شکور» یا حتی «صابراً» به تنهایی تفاوت دارد. «انا وجدناه صابراً» یعنی ما بالاخره او را صبور اعلام می‌کنیم (لسانی فشارکی «الف»، ۱۴۰۱، ص ۹۲). بالاخره از کوره در نرفت. این تعبیر خیلی لب مرز است و اصلاً به معنی قلۀ صبر و قهرمان صبر و اسوه صبر نیست.

در آیات دیگری از قرآن کریم هم این تعبیر را داریم. مثلاً در داستان معروف به موسی و خضر، در قسمتی از گفتگوی خضر و موسی داریم: قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا. وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا. قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (کهف، ۶۷ تا ۶۹). خضر با اطمینان و علم و خیلی محکم به موسی می‌گوید: تو نمی‌توانی با من همراهی کنی و صبرش را نداری. خضر علت این صبور نبودن موسی را هم می‌گوید. موسی در جواب این سخن صریح خضر، با تردید و عدم اعتماد به نفس، می‌گوید: انشاءالله که بتوانم رضایت تو را در صبور بودن جلب کنم و تو من را صابر ببینی نه عجول. موسی با شناختی که از خودش دارد، می‌داند که خضر پر بیراه نمی‌گوید و احتمالاً او نتواند کارهای خضر را تحمل کند و هیچ نکوید.

همراهی ریشه «وجد» یا «صبر»، را در کلام اسماعیل خطاب به پدرش هم داریم: قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (صافات، ۱۰۲). اسماعیل هم واقعاً نمی‌داند که آیا می‌تواند این وضعیت را تحمل کند و تا آخر با پدرش همراهی کند؟ چون پدرش قرار است سر او را ببرد!

کلمۀ «واب» هم تنها قهرمان صبر بودن ایوب را نمی‌رساند بلکه برعکس این را می‌رساند که ایوب بخاطر بی‌صبری‌اش، نزدیک بود از دایرۀ بندگی خارج شود اما نشد و برگشت. بالاخره او بنده خوبی بود (نعم العبد) و صبر کرد.

بنابراین اگر بخواهیم شخصیت ایوب را در قالب فیلم نشان بدهیم، در فیلمنامه در اطلاعات مربوط به شخصیت پردازی ایوب، نویسنده نمی‌نویسد: بسیار صبور، بدترین اتفاقات هم روی او تأثیر نمی‌گذارد، هیچ وقت از کوره در نمی‌رود، همیشه آرام و متین است. بلکه می‌نویسد: گاهی از اتفاقاتی که برایش می‌افتد بسیار ناراحت می‌شود. گاهی داد می‌زند. گاهی تحمل و صبرش تمام می‌شود و کاسۀ صبرش لبریز می‌شود. البته زود به حالت عادی برمی‌گردد و از رفتارش پشیمان می‌شود و دست به کاری ناشایست نمی‌زند. همین و نه بیشتر.

در فیلم، ایوب تمام اموالش را از دست می‌دهد. تمام فرزندانش یکجا می‌میرند. به شدت مریض می‌شود. هیچ کس بجز همسرش همراه او نیست. بیش از هفت سال این وضعیت ادامه دارد و بالاخره از شهر و دیارش اخراج می‌شود. با تمام این اتفاقات ایوب اما خم به ابرو نمی‌آورد و حتی در جواب قومش که از او می‌خواهند به طبیب مراجعه کند می‌گوید: «این درد از طبیب

است. راضی به درمان نیستم مگر خود مداوا کند». این رابطه عاشقانه بین ایوب و خدا که در فیلم هست، در قرآن کریم نیست. این عشق را ما خیلی بعد در کربلا مشاهده می‌کنیم و اختصاص به رسول الله و ائمه اطهار دارد.

ایوب یک انسان عادی است مثل همه انسان‌های دیگر و صد البته همین هم خیلی مهم است. اینکه بتوانی خودت را کنترل کنی و به حالت عادی برگردی و کار بدی نکنی، این خیلی هم مهم است.

شخصیت پردازی ایوب در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، مطابق با شخصیت پردازی ایوب در قرآن کریم نیست.

۳. ابلیس

۳-۱. تسلط ابلیس بر ایوب

در آیات قرآن به صراحت آمده است که ابلیس هرگز بر بندگان خدا مسلط نمی‌شود: إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (حجر، ۴۲). إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (نحل، ۹۹). إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (اسراء، ۶۵).

ابلیس فقط وسوسه می‌کند: فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ... (اعراف، ۲۰).

در کتاب ایوب در مجموعه کتاب مقدس، تسلط ابلیس بر ایوب نوشته شده است و عیناً همین مطلب در فیلم سینمایی ایوب پیامبر هم به تصویر در آمده است. در عهد عتیق در کتاب ایوب آمده است: «خداوند به درخواست شیطان، او را بر همه اموال و فرزندان ایوب مسلط گردانید و شیطان پس از نابود کردن همه آنها، با گرفتن اجازه از خدا، «ایوب را» [نیز] از کف پا تا کله‌اش به دمل‌های سخت مبتلا ساخت. و او سفالی گرفت تا خود را با آن بخراشد و در میان خاکستر [تا هفت شبانه‌روز] نشسته بود» (کتاب مقدس، ۱/۱ تا ۲۲ و ۱/۲ تا ۱۳).

در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، با قدرتی که خداوند به ابلیس داده است، او بر آسمان و زمین و همه چیز مسلط شده تا هر آنچه می‌خواهد بر سر ایوب بیاورد.

ابلیس با تسلط بر اموال ایوب از طریق اشرار، گوسفندان ایوب را می‌دزد و افرادش را می‌کشد (تصویر ۸).



تصویر ۸

ابلیس همچنین با تسلط بر اموال و دارایی‌های ایوب از طریق سپاه بابل و کلدانیان، تمام اموال ایوب را به غارت می‌برد و افراد او را می‌کشد (تصویر ۹).



تصویر ۹

ابلیس با تسلط بر آسمان، رعد و برق ایجاد می‌کند. رعد و برقی که فقط اموال ایوب را می‌سوزاند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰

ابلیس با تسلط بر زمین، فقط محل درس فرزندان ایوب را ویران می‌کند و همه فرزندان ایوب یکجا می‌میرند اما جاهای دیگر شهر هیچ تکانی نمی‌خورند. مکان‌های دیگر شهر از جمله منزل ایوب، سالم هستند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱

متأسفانه این تحریفات به تفاسیر قرآن نیز راه پیدا کرده است. در بعضی کتب تفسیری آمده است که شیطان در بینی ایوب دمید در نتیجه کرم تمام بدن او را فرا گرفت و به بیماری جذام مبتلا شد و ناخن‌ها و موهای او ریخت. بوی تعفن بدنش باعث شد که مردم او را از شهر بیرون کنند و او مجبور شد در مزبله‌ای به مدت هفت یا هجده سال با وضعیت فلاکت‌بار و منزجرکننده‌ای با همسرش زندگی کند (یحیی بن سلام، ج ۱، ص ۲۳۳؛ طبری، ج ۱۸، صص ۴۸۸ و ۴۹۴ - ۵۰۵؛ ج ۲۱، ص ۲۱۱؛ قمی، ج ۲، ص ۲۴۰).

تسلط ابلیس بر ایوب و هر انسان دیگری در قرآن تأیید نمی‌شود و قرآن کریم فقط وسوسه ابلیس و شیاطین را تأیید می‌کند. ابلیس آدم ابوالبشر و حوا را وسوسه می‌کند: فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ (اعراف، ۲۰) و قدرتی بیش از این ندارد. این قدرت ماورایی ابلیس را کتاب مقدس و اسرائیلیات به او می‌دهد.

۲-۳. تجسم ابلیس

ابلیس و نوچه‌هایش که در فیلم سینمایی ایوب، شیطان نامیده می‌شوند؛ مانند یک انسان واقعی مجسم می‌شوند. آنها بسیار قوی و توانمند هستند. این توانمندی هم جسمی است و هم هنری و هم هوشی. ابلیس می‌تواند در قالب انسان‌های مختلف خودش را به دیگران نشان دهد. اینطور نیست که ابلیس و شیطان‌ها فقط وسوسه کنند. آنها با هم طرحی داستانی طراحی می‌کنند یعنی فیلمنامه می‌نویسند و یک تئاتر عالی با نقش‌آفرینی‌های درجه یک اجرا می‌کنند تا بتوانند به خواسته‌هایشان برسند.

از نظر قرآن کریم، ابلیس فقط وسوسه می‌کند، دیده نمی‌شود و نمی‌تواند در قالب‌های

مختلف نمود کند. با تحقیق موضوعی در قرآن کریم اصلاً متوجه می‌شویم که خود انسان‌ها خیلی بدتر از ابلیس هستند که هم وسوسه می‌کنند و هم دیده می‌شوند: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء، ۷۶). مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ (ناس، آیات ۴ تا ۶).

متأسفانه سالها پس از این فیلم سینمایی، سریالی از تلویزیون پخش شد به نام اغما. در این سریال هم شیطان با چهره‌های مختلف ظاهر می‌شد و کارش را پیش می‌برد. تاثیر منفی این سریال هم بسیار زیاد بود. شیطانی بسیار قوی که همانند سوپرمن و تبدیل شونده‌ها و قهرمان‌های فیلم‌های تخیلی، هر کاری می‌تواند انجام دهد، هرجایی می‌تواند باشد و به هر شکلی می‌تواند در بیاید.

در صحنه‌هایی از فیلم ایوب، ابلیس بصورت واقعی خود فقط برای ایوب ظاهر می‌شود. ایوب او را می‌بیند و صدای او را می‌شنود. حتی خبر ستایش شدنش در آسمان چهارم را از او می‌شنود. دسترسی ابلیس به علم آسمان چهارم بیشتر از ایوب است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۳



تصویر ۱۲

در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، ابلیس چندین دستیار دارد. نقش این شیاطین در فیلم پررنگ است و در جاهای مختلف حضور مؤثر دارند. مثلاً تصاویر ۱۳ و ۱۴ و ۱۵



تصویر ۱۵



تصویر ۱۴

ابلیس قدرتمند و هنرمند است. او و نوچه‌هایش بصورت گروهی و با نقشه‌هایی دقیق، برای

فریب مردم تحت‌تأثیر بازی می‌کنند. آنها در بین مردم حضور دارند و تمام نقشه‌هایشان عملی می‌شود. این شخصیت‌پردازی از ابلیس که ضد قهرمان قصه است، از نظر قرآن کریم مردود است. او هرگز چنین قدرت، علم و امکانی ندارد.

شاید در نگاه اول و بدون تدبیر در آیات قرآن، از دعای ایوب: *وَ اَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ (صاد، ۴۱)؛* چنین به نظر برسد که ایوب می‌گوید شیطان مرا دچار ضرر گردانیده است و شیطان مرا زیر شکنجه و آزار طاقت‌فرسا قرار داده است. اما با کمی دقت در آیات مشتمل بر ضرر معلوم می‌شود که ضرر نمی‌تواند مساوی نصب و عذاب باشد. همچنین شیطان هم نمی‌تواند انسان را دچار ضرر گرداند.

قرآن کریم ضرر را مستقیماً از جانب خداوند می‌داند: *قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ (زمر، ۳۸).* ضرر گاهی کیفر و مجازات برای بندگان خطاکار است که این ضرر در بیان قرآن، عذاب نام دارد. گاهی هم ضرر نوعی آزمون برای بندگان خاص خداست که در بیان قرآن، بلا نام می‌گیرد. با یک تحقیق موضوعی دیگر راجع به شیطان یا حداقل به یادآوردن آیات پایانی سوره ناس به وضوح معلوم می‌شود که این نصب و عذاب در دعای ایوب، همان وسوسه مداوم و پیگیر شیطان است.

از دعای نخست ایوب: *وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (انبیاء، ۸۳)؛* معلوم می‌شود که او تا حدی تحت تأثیر وسوسه شیطان قرار گرفته است. ایوب از خدا شکایت دارد. می‌گوید: ای خدا در حالیکه تو ارحم الراحمین هستی، باید وضعیت من اینگونه باشد؟ شیطان هم دائم وسوسه می‌کند که ایوب! پاداش سالها عبادت و بندگی تو همین است؟ رحمت خداوندی که عمری از آن دم می‌زدی کجا رفته؟ این پروردگار ارحم الراحمین تو چرا به فریادت نمی‌رسد؟ ایوب! نکند خدا تو را فراموش کرده است؟ چرا گلایه نمی‌کنی؟ چرا ناله نمی‌کنی؟ جزع و فزع کن. بی‌تابی و بی‌طاقتی کن؟ مگر تو چقدر طاقت مصیبت داری؟ زراعتت که از میان رفت، خدم و حشمت هم همه از دست رفت، همسر و فرزندان هم که همه یکجا مردند. باز هم می‌خواهی تحمل کنی؟

ایوب تحت تأثیر این وسوسه‌ها هرگز از بندگی خدا پشیمان نمی‌شود اما از این وسوسه‌ها شیطانی رنج می‌برد و دچار عذاب روحی و وجدانی می‌شود. برایش یک تناقض وجود دارد که اگر پروردگار من ارحم الراحمین است و اگر ضرر از جانب خداوند است و کشف ضرر نیز از جانب اوست، تا همین جا و به همین اندازه بس نیست؟ چرا به فریادم نمی‌رسد؟ آیا امکان دارد که من بار دیگر به هر آنچه داشته‌ام دست یابم؟ این افکار است که ایوب را رنج می‌دهد و سرچشمه این افکار هم بجز وسوسه شیطان چیز دیگری نیست.

۴. همسر ایوب

۴-۱. همسر ایوب زنده است یا مرده است؟

در قرآن کریم همسر ایوب همراه با سایر خانواده مطرح است با کاربرد واژه «اهل»: وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ (صاد، ۴۳). آن داستانی که برای همسر ایوب در فیلم سینمایی طراحی کرده‌اند، در قرآن نیست و مشخصاً ریشه در کتاب مقدس و اسراییلیات دارد.

در داستان کوتاه ایوب در قرآن، ایوب همه خانواده‌اش را از دست داده است و از همه مهم‌تر در بین اهلس، همسرش را هم از دست داده است. ایوب تنهای تنهاست که ندا سر می‌دهد و خدا را با صدای بلند خطاب می‌کند.

«اهل» در بیان قرآن، خانواده معنا می‌شود و قبل از همه، همسر را شامل می‌شود (ابن منظور، ج ۱۱، ص ۳۰: اهل الرجل و اهله زوجه).

یعنی همسر ایوب هم مثل اهل و عیال ایوب، از دنیا می‌رود. در کتاب ایوب کتاب مقدس همه از دنیا می‌روند ولی همسر ایوب، زنده است. سناریونویس کتاب مقدس به این پرسوناژ (شخصیت) نیاز دارد. او می‌خواهد در ادامه تخریب و تکذیب چهره ایوب، نقشی هم به همسر او بدهد.

در کتاب ایوب می‌خوانیم: «پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفت و ایوب را از سر تا پا به دمل‌های دردناک مبتلا کرد. ایوب در میان خاکستر نشست و با یک تکه سفال بدن خود را می‌خارید. زنش به او گفت: تو هنوز هم نسبت به خدا وفادار هستی؟ خدا را لعنت کن و بمیر. اما او [ایوب] در جواب گفت: تو همچون یک زن ابله حرف می‌زنی» (کتاب مقدس، ۷/۲ تا ۱۰).

۴-۲. خیانت همسر ایوب

نویسندگان کتاب مقدس، همسر ایوب را زنده نگه می‌دارند و تحویل سناریونویس‌های مسلمان می‌دهند تا قصه او را ادامه دهند. علامه طباطبائی پس از اشاره به پدیده اسراییلیات و نصرانیات در رواج اخبار دروغ، تصریح می‌کنند که در ادامه این روند خطرناک و بسیار زشت، عده‌ای از مسلمانان، گوی سبقت را از اهل کتاب ربوده و هرجا آنان در اخبار کذب، کم آورده‌اند، اینان سنگ تمام گذاشته و با ترویج روایات جعلی کمک فراوانی به اسراییلیات و نصرانیات کرده‌اند (طباطبائی، ج ۱۱، صص ۱۳۰-۱۳۴).

در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، ابلیس هر بلایی که می‌خواهد بر سر ایوب می‌آورد و البته نمی‌تواند ایوب را از پای درآورد و صبر او را لبریز کند. در آخرین نقشه‌ای که ابلیس با مشورت شیطان‌ها طراحی می‌کند، آنها برای بی‌آبرو کردن رحیمه زن ایوب، تأثیری اجرا می‌کنند.

رحیمه برای کار و تهیه نان به شهر آمده است. همسر مریضش در بیرون شهر در مخروبه‌ای

گرسنه نشسته و منتظر اوست. او با بی مهری شدید مردم مواجه می شود. اواخر شب او تنها، دل شکسته و خسته در میدان شهر نشسته است. یکی از شیاطین و نوچه های ابلیس که قبلا هم او را دیده ایم به سراغ او می آید (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶

شیطان به رحیمه می گوید که او حق ندارد به این شهر بیاید. رحیمه معترض می شود که چه کسی این حق را از او گرفته است و اصلا به این شخص ناشناس چه ربطی دارد؟ شیطان شروع می کند به جار و جنجال و در خانه مردم را می زند. به آنها می گوید چرا به خودتان رحم نمی کنید؟ طبیب گفته است که بیماری ایوب مسری است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷

مردم با سنگسار رحیمه قصد اخراج او از شهر را دارند. ناگهان از تاریکی مرد غریبی وارد میدان می شود. او ابلیس است که بصورت یک مرد قوی ظاهر شده است. او خودش ادامه نقشه و تاثیر را برای فریب رحیمه به عهده دارد. او از رحیمه دفاع می کند و با قدرتی که در بیان و جسم دارد همه را از گرد او دور می کند. و وقتی همه رفتند کارش را آغاز می کند.

ابلیس با دلسوزی به رحیمه می‌گوید که اینجا چه می‌کند و چه نیازی دارد؟ رحیمه می‌گوید به دنبال قرصی نان است برای خودش و همسر مریضش. ابلیس قرصی نان از کیسه‌اش بیرون می‌آورد تا رحیمه وسوسه شود اما آن را به رحیمه نمی‌دهد. ابلیس در ازای آن قرص نان، از رحیمه می‌خواهد که موهایش را بچیند و به او بدهد (تصویر ۱۸). ابلیس به رحیمه می‌گوید این موها را برای همسرش که ریزش مو دارد می‌خواهد.



تصویر ۱۸

- پس از آنکه نقشه ابلیس در مورد رحیمه همسر ایوب عملی می‌شود؛ ابلیس به سراغ ایوب می‌آید تا نقشه‌اش را ادامه دهد. قسمتی از گفت‌وگوی ابلیس و ایوب بدین گونه است:
- «ابلیس به ایوب نزدیک می‌شود و در صورت او نگاه می‌کند.
- ابلیس: رحیمه خیانت کرده و تو لطفش می‌خوانی؟
 - ایوب: دروغ است. نیرنگی دیگر.
 - ابلیس: حقیقتی است که تو بر آن چشم بسته‌ای. او چاره‌ای جز خیانت نداشت. درحالی‌که شوی بیمارارش گرسنه به انتظار غذا نشسته بود او چگونه با دست تهی باز می‌گشت؟
 - ایوب: رحیمه چنین خطایی نمی‌کند حتی اگر به قیمت جان من تمام شود.
 - ابلیس: پس از او بپرس چرا شحنگان گیسوان او را بریده‌اند.
- ابلیس قهقهه می‌زند.
- ایوب به سر خود می‌زند.
- ابلیس: گیسوان یک زن به چه جرمی جز خیانت بریده می‌شود؟
 - ایوب: نفرین خداوند بر تو باد.
 - ابلیس: من نه. تو موجب این رسوایی هستی و خودش.
 - ایوب: به خدا پناه می‌برم از شر تو ابلیس رانده شده و در این مصیبت از او یاری می‌طلبم.

- ابلیس: این زبونی توست. زبونی توست که هرگاه درمانده می‌شوی به خدا پناه می‌بری ولی این بار بی‌فایده است. به هر که می‌خواهی پناه ببر. چاره‌ای نداری جز پذیرفتن این ننگ. ابلیس قهقهه می‌زند.

- ایوب با چوبش شیطان را می‌زند و می‌گوید: دور شو خناس.

- ابلیس باخنده و قهقهه: موی سرش را بنگر تا خود ببینی. پایان صبر تو نزدیک است ایوب. نزدیک.....

ابلیس قهقهه می‌زند.

ایوب به سختی از جایش بلند می‌شود و می‌نشیند. درمانده است. رو به آسمان می‌کند. با ناله و حالتی شکایت‌گونه سخن می‌گوید.

- ایوب: خدایا سال‌ها به نعمت متنعم بودم. شکر نعمت به ذمه من بود. در حد توان بجای می‌آوردم. هفت سال و اندی است که به هیچ گناه، نعمت از من گرفته، مصیبت بر من عطا کرده‌ای. می‌دانم، می‌دانم آنگونه که پیامبران قبل از من به مصیبت دچار شده بودند. جملگی به تو پناه آورده‌ایم و اگر یاری تو نبود هلاک می‌شدیم. ایوب را نیز در همه مصائب تو یاری کرده‌ای. در این مصیبت آخر نیز یاری کن.

به جلال و بزرگی‌ات قسم اگر رحیمه را موی بر سر نباشد صد تازیانه‌اش خواهیم زد چرا که گناهی است بزرگ و مصیبتی است بزرگتر. پروردگارا در این مصیبت آخر نیز یاری‌ام کن. جز تو یاری کننده‌ای نمی‌شناسم».

در روایت قرآن از ایوب اصلاً چنین داستانی از همسر ایوب نداریم.

فهم نادرست از بعضی واژه‌های این داستان به داستان‌سازی‌های اسرائیلی کمک کرده است. کلمه «ضغثاً» یعنی چند شاخه و ترکه خشک یا تر، که همه‌جا ریخته و در دسترس است (زبیدی، ج ۳، ص ۲۳۰؛ جوهری، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ابن درید، ج ۱، ص ۴۲۵؛ ما جمعه بکفک من نبات الأرض فانتزعته). یعنی دم‌دست‌ترین چیزی که دست به آن می‌رسد. خدا می‌خواهد ایوب را متوجه این مطلب کند که اصلاً به چیز خاصی که از آسمان بیفتد یا از زمین بیرون بیاید نیاز ندارد. همین اشیائی که دور و برت هستند کار تو را راه می‌اندازند. فقط به آنها توجه کن و آنها را بکار بگیر.

برای فهمیدن تعبیر «اضرب به» باید به همین ترکیب در آیات دیگر قرآن توجه کنیم. فعل امر اضرب در قرآن سه بار با حرف اضافه «ب» آمده است. هر سه بار هم در داستان‌های حضرت موسی است: (۱) وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا (بقره، ۶۰). (۲) فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ (شعرا، ۶۳). (۳) فَقُلْنَا اضْرِبْهُ بِغَضَبِهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمَوْتَى (بقره، ۷۳).

خطاب «اضرب به» به ایوب یعنی ای ایوب چند شاخه خشک که دور و برت هست بردار و به سوی همسر و فرزندان که مرده‌اند اشاره کن یا بزنی تا آنها زنده شوند. «فاضرب به» درست مانند «فاضرب بعصاک الحجر» در داستان حضرت موسی است. در داستان حضرت موسی قرار نیست حضرت موسی عصا را مانند مته‌ای قوی و بزرگ وارد سنگ‌ها کند بلکه کافی است با عصا به سنگ اشاره کند تا به اذن خدا دوازده چشمه از دل سنگ بجوشد.

تعبیر «و لا تحنث» یعنی باور کن، تردید نکن و ناامید نباش (ازهری، ج ۴، ص ۲۷۸: الحنث: أن يقول الإنسان غير الحق). در سوره واقعه داریم: وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (واقعه، ۴۶). حنث عظیم آنان این بود که می‌گفتند و اعتقاد داشتند، اگر ما مردیم و خاک شدیم آیا دوباره زنده و محشور می‌شویم: وَ كَانُوا يَقُولُونَ أِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَاباً أَوْ عِظَاماً أِ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (واقعه، ۴۷). ایوب هم شاید همین تردید را پیدا کرده بود. او اما دید که مردگان به اذن خدا زنده شدند.

«حنث قسم» که یک اصطلاح فقهی است، مدت‌ها پس از نزول قرآن وضع شده است (ابن بابویه، ص ۲۷۰؛ شافعی، ج ۲، صص ۲۳۲ و ۲۷۸، ج ۵، ص ۲۸۲) و متأسفانه «و لا تحنث» به «قسمت را نشکن» ترجمه شده است که درست نیست. نمی‌توان «لا تحنث» را بر اساس معنایی که مدت‌ها پس از نزول قرآن برای حنث در کتب فقهی مصطلح شده است، معنا کرد. بنابراین شخصیت‌پردازی فیلم سینمایی ایوب پیامبر از همسر ایوب هم مطابق بیان قرآن نیست و با روایت کتاب مقدس مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

شخصیت‌پردازی قرآن از ایوب، ابلیس و همسر ایوب در داستان ایوب با شخصیت‌پردازی فیلم سینمایی ایوب پیامبر متفاوت است. شخصیت‌پردازی فیلم به روایت کتاب مقدس نزدیک است. قرآن کریم قسمتی از زندگی ایوب را روایت می‌کند که هنوز او پیامبر نیست و صحنه‌هایی را به تصویر می‌کشد که ایوب در حال گفت‌وگو با خداست. ایوب دچار مشکلات مالی و شبه مالی شده است و با خدا عادی صحبت نمی‌کند. او از خدا شکایت دارد و با صدای بلند شبیه دادزدن دارد با خدا صحبت می‌کند. اینکه مال و اموال او چقدر است در قرآن بیان نشده است. ایوب بنده خوب خداست و با همه فراز و نشیب‌های زندگی در امتحان‌های خدا پیروز می‌شود. ایوب در قرآن کریم قهرمان صبر و نمونه و اسوه صبر نیست. این شخصیتی است که قرآن از ایوب به ما نشان می‌دهد.

ابلیس در داستان ایوب قرآن با نام شیطان حضور دارد اما او فقط وسوسه می‌کند و آن قدرت و علمی که در فیلم سینمایی به او داده شده را ندارد. در روایت قرآن کریم ابلیس ضد قهرمان داستان نیست و اصلاً آن حضور و بروز و ظهور فیلم سینمایی را ندارد. منظور از شیطان در داستان ایوب قرآن، وسوسه‌های شیطان است نه حضور فیزیکی او و دستیارانش آنچنانکه در فیلم نمایش داده می‌شود.

در روایت قرآن از داستان ایوب، اصلاً همسر ایوب حضور ندارد. او هم مانند بقیه خانواده ایوب از دنیا رفته است. اما در فیلم سینمایی ایوب پیامبر همانند روایت کتاب مقدس، همسر ایوب حضور جدی دارد و از شخصیت‌های اصلی محسوب می‌شود. در فیلم او با اینکه بسیار وفادار به ایوب است اما در نهایت فریب ابلیس را می‌خورد و باعث ناراحتی شدید ایوب می‌شود. شخصیت‌پردازی فیلم از همسر ایوب اصلاً با روایت قرآن مطابقت ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی؛ (۱۴۰۶ق)، *فقه الرضا*؛ تحقیق: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث؛ مشهد المقدسة: المؤتمر العالمي للامام الرضا.
۲. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن؛ (بی تا)، *جمهرة اللغة*؛ بیروت: دار صادر.
۳. ابن عاشور؛ (۱۹۸۴م)، *التحریر و التنویر* (تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید)؛ تونس: الدار التونسية للنشر.
۴. ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۴ق)، *مقاییس اللغة*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة مؤسسة الرسالة.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر.
۶. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد؛ (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. بهارلو، عباس؛ (۱۳۸۴)، *فیلم‌شناخت ایران: فیلم‌شناسی سینمای ایران*؛ تهران: قطره.
۸. ترویجی، جان؛ (۱۴۰۱)، *آنا تومی داستان (۲۲ گام تا استاد شدن در داستان‌گویی)*؛ ترجمه محمد گذرآبادی؛ تهران: ساقی، چ پنجم.
۹. جوهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد؛ (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية*؛ تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار؛ بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. خراسانی، محمد؛ (۱۳۸۲)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، ج ۵، «ایوب»؛ قم: بوستان کتاب.
۱۱. زبیدی، سید محمد مرتضی؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ تحقیق: عبدالستار احمد فراج؛ کویت: التراث العربی، بی تا.
۱۲. سلمی، ابوعبدالرحمن؛ (۱۴۲۱ق)، *تفسیر سلمی (حقائق التفسیر)*؛ تحقیق: سید عمران؛ بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۳. شافعی، محمد بن ادريس؛ (۱۴۰۳ق)، *الام*؛ بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۴. صدوق، محمد بن علی؛ (۱۴۰۳ق)، *الخصال*؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین؛ (۱۴۰۲ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. طبری، محمد بن جریر؛ (۱۴۲۰ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر طبری)*؛ تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۷. طوسی، شیخ ابوجعفر؛ (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ تحقیق: احمد حبیب قیصر؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ (۱۴۰۹ق)، *العین*؛ تحقیق: مهدی مخزومی؛ قم: دارالهجرة.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم؛ (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*؛ تحقیق: طیب موسوی جزایری؛ قم: دارالکتاب، چاپ سوم.
۲۰. کافی راد، مصطفی؛ عبدالرحیمی، علیرضا؛ (۱۳۹۹)، «*تحلیلی بر شیطان پرستی و راهکارهای تربیتی مقابله با آن با الهام از آیات قرآنی*»؛ آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، بهار و تابستان، شماره ۱
۲۱. *کتاب مقدس*؛ ترجمه مؤده برای عصر جدید؛ (۲۰۱۵م)، بی جا.
۲۲. گوت، بریس؛ «همذات‌پنداری و احساسات در سینمای روابی»؛ ترجمه بابک تیرایی؛ فارابی، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۶۱
۲۳. لسانی فشارکی/الف، محمدعلی؛ رجبی قدسی، محسن؛ (۱۴۰۱)، *قصه ایوب پیامبر در قرآن کریم*؛ تهران: صدوچهارده.
۲۴. لسانی فشارکی/ب، محمدعلی؛ رجبی قدسی، محسن؛ (۱۴۰۱)، *قصه یوسف صدیق*؛ تهران: صدوچهارده.
۲۵. محقق اردبیلی؛ (بی تا)، *زبدةالبیان فی احکام القرآن*؛ تحقیق: محمد باقر بهبودی؛ تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
۲۶. مصطفوی، حسن؛ (۱۴۱۶ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: وزارت ارشاد.
۲۷. مغنیه، محمدجواد؛ (۱۴۰۳ق)، *التفسیر المبین*؛ بیروت: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
۲۸. مک کی، رابرت؛ (۱۳۹۸)، *داستان: ساختار، سبک و اصول فیلمنامه نویسی*؛ ترجمه محمد گذرآبادی؛ تهران: هرمس.
۲۹. میرصادقی، جمال؛ (۱۳۹۴)، *عناصر داستان*؛ تهران: نشر سخن.
۳۰. وایتلی، کرول؛ (۱۳۹۶)، *همه چیز درباره نویسنده گی خلاق*؛ ترجمه مهدی غبرایی، تهران: سوره مهر.
۳۱. یاسینی، سیده راضیه؛ (۱۳۹۳)، *سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران*؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۲. یحیی بن سلام؛ (۱۴۰۳ق)، *تفسیر یحیی بن سلام*؛ تحقیق: هند شلبی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. یونسی، ابراهیم؛ (۱۳۶۹)، *هنر داستان نویسی*؛ تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.